نگاه بیرون

ایران
نقش‌اول سناریوهای منطقه‌ای

Le Monde

فرانسوا ژره*

● مثل همه سیاستمدارانی که به قدرت می‌رسند، اولویت برنامه‌های رییس‌جمهوری جدید ایران باید توجه به مسایل داخلی ایران باشد. روحانی در این میان باید اول ناخرسندی‌های عمومی اجتماعی را که از مدیریت نابسامان اقتصادی هشت‌سال گذشته به‌وجود آمده است، کاهش دهد. حتی اگر فکر کنیم که تحریم‌ها ریشه اصلی این نابسامانی‌ها نبوده است اما به‌شدت وضعیت را وخیم‌تر کرده است. بهبود اوضاع متضمن فضای بین‌المللی آرام است. رییس‌جمهوری جدید باید به دو پرونده بین‌المللی بپردازد؛ پرونده هسته‌ای و بحران سوریه.

با این‌حال باعث تاسف است که اولین حضور بین‌المللی روحانی با مخدوش‌شدن اظهاراتش درمورد اسراییل رسانه‌ای شد؛ اظهاراتی که ظاهرا بد ترجمه شد و بلافاصله هم تکذیب شد. ترجمه کلا خیانت است. اما چه‌کسی خیانت کرده است؟ ما می‌خواستیم؟ یا شاید کسانی در تهران می‌خواستند که او بدون دشمن نماند. البته ما هم به‌نوبه خود می‌توانیم از این اظهارات مخدوش استفاده کنیم: می‌توانستیم او را همسطح احمدی‌نژاد نشان دهیم یا اینکه لحن آرام او را معیار بگیریم و با محمد خاتمی مقایسه کنیم. از حدود ۲۰سال پیش رهبران اسراییل اظهاراتی را مطرح کرده‌اند که نشان می‌دهد اسراییل صاحب ۱۵۰ تا ۲۰۰کلاهک اتمی است؛ بله دقیقا داستان ما اینجا آغاز می‌شود: باید به همه دعواهای حول دستیابی به توانمندی هسته‌ای نظامی در منطقه خاورمیانه برگردیم: اول عملیات اوسیراق ۱۹۸۱ اسراییل علیه تاسیسات درحال ساخت اتمی عراق، بمباران ۲۰۰۷ سوریه به‌دلایل مشابه و از همه جدی‌تر و وضعیت ایران امروز است که تبدیل به هدف بسیار موردمناقشه‌ای برای آغاز یک عملیات مشکوک‌تر از خود برنامه جست‌وجوی سلاح اتمی شده است.

از یک‌سال پیش نتانیاهو بازی سرگرم‌کننده خودش با «خط قرمز» را شروع کرده است. این «ماشین» قدیمی دیپلماتیک، ناکارآمدی، بی‌خاصیتی و خطرناک‌بودن خودش را که در جنگ سرد مد شده بود، به اثبات رسانده است. باراک اوباما نیز این لحن شعاری را در مورد احتمال کاربرد اسلحه شیمیایی در سوریه به‌کار گرفته است. اثبات کاربرد گاز سارین به‌معنای فراهم‌آوردن زمینه‌هایی برای پشتیبانی از حمله به سوریه است. خب با وجود این سابقه، ایالات‌متحده چه خواهد کرد؟ کمی بعد خط‌قرمزی ترسیم می‌کند که نهایتا هم برای خودش و هم برای دشمنش خطرناک‌تر است چراکه ایجاد نوعی تعهد درمقابل این خط قرمز برای غربی‌ها هم خطرناک است. درعین‌حال این پیشنهاد چیز تازه‌ای نیز برای غربی‌ها ندارد؛ الا پیگیری یک سیاست منسوخ که مدت‌هاست زیانبار بودنش اثبات شده است. ایران اگر تصمیمی برای ساخت چند کلاهک اتمی حتی ابتدایی داشته باشد، دولتی در آستانه اتمی‌شدن است اما تهران می‌خواهد همین سطح توانایی را بدون اینکه از آن فراتر رود، حفظ کند. باید توجه کرد که همین تصمیم تبدیل به یک بازی گمراه‌کننده شده است؛ همین موضوع برای ما توضیح می‌دهد چرا مذاکرات بدون نتیجه سال‌های گذشته درگیر ماهیتی پیچیده شده است. در پشت همین پیچیدگی‌هاست که طرف‌های مذاکره تلاش دارند تا همه توانایی‌های هسته‌ای بالقوه نظامی ایران را به‌نحوی دفن کنند. اما این رویکرد غرب دقیقا درمقابل موضع مشترک و متحد همه سیاستمداران ایرانی در همه جناح‌هاست. از بعدی استراتژیک، اینکه تهران تلاش کند تا موقعیت استراتژیک هسته‌ای خود را به موضع «تقارن» با اسراییل نزدیک کند، برای این کشور بسیار مطلوب است. این موضع «متقارن» به تهران اجازه می‌دهد تا بازی دیپلماتیک را به‌صورت برابر پیش ببرد. این بازی برابر در منطقه نوعی ابهام ایجاد می‌کند: پایه‌های اتحادهای منطقه‌ای، مواضع بازیگران منطقه‌ای و متحدان به‌ویژه آمریکا را پیچیده‌تر می‌کند. آنچه واقعا باید گفت این است که این سناریو ساخته و پرداخته پنتاگون است. به لطف ترویج توقف هسته‌ای گسترده و ترویج دفاع ضدموشکی منطقه‌ای که در قالب پروژه‌های سرسام‌آور دلاری به دولت‌های منطقه فروخته شده است، آمریکا خودش را به‌عنوان سپر عالی دفاعی درمقابل یک ایران بالقوه هسته‌ای نمایش می‌دهد. «صلح بعید، جنگ محتمل» فرمول «ریمون آرون» برای توصیف جنگ سرد است که می‌تواند بر شرایط خاورمیانه هم سنجاق شود تا بتواند ثبات نسبی برقرار شود.

دومین راستی‌آزمایی از انگیزه‌های روحانی که به‌هیچ‌وجه ابهام مورد قبلی را ندارد، وضعیت سوریه و بررسی موضع‌گیری ایران درمقابل آن است: آیا تهران به‌دنبال تثبیت اوضاع سوریه و لبنان و جلوگیری از هرگونه فروپاشی سرزمینی این کشورهاست؟ بهترین راه برای سنجش اراده رییس‌جمهوری جدید این است که تا برگزاری کنفرانس ژنو ۲ صبر کرد و نحوه بازی کارت‌های ایران و البته موفقیت نهایی صلح احتمالی در سوریه را دید. بیرون گذاشتن ایران از این گفت‌وگو، اشتباهی دیپلماتیک است که ریشه در یک ساده‌لوحی متکبرانه دارد. باید به همه طرف‌های درگیر مستقیم و غیرمستقیم یک صندلی برای مذاکره داد و از انسداد مخرب گفت‌وگوها جلوگیری کرد. قلب این راه‌حل منطقه‌ای در برخورد نقطه‌هایی است که از پایان‌یافتن جنگ سوریه و موضع‌گیری هسته‌ای ایران حاصل می‌شود. وقتی جنگ را در اینجا پایان دهی، جنگ در آنجا هم بی‌معنی خواهد بود. اینها را باید به‌عنوان اهداف واقعی تعریف و مشخص کنیم.

*رییس موسسه فرانسوی تحلیل استراتژیک (ایفاس)

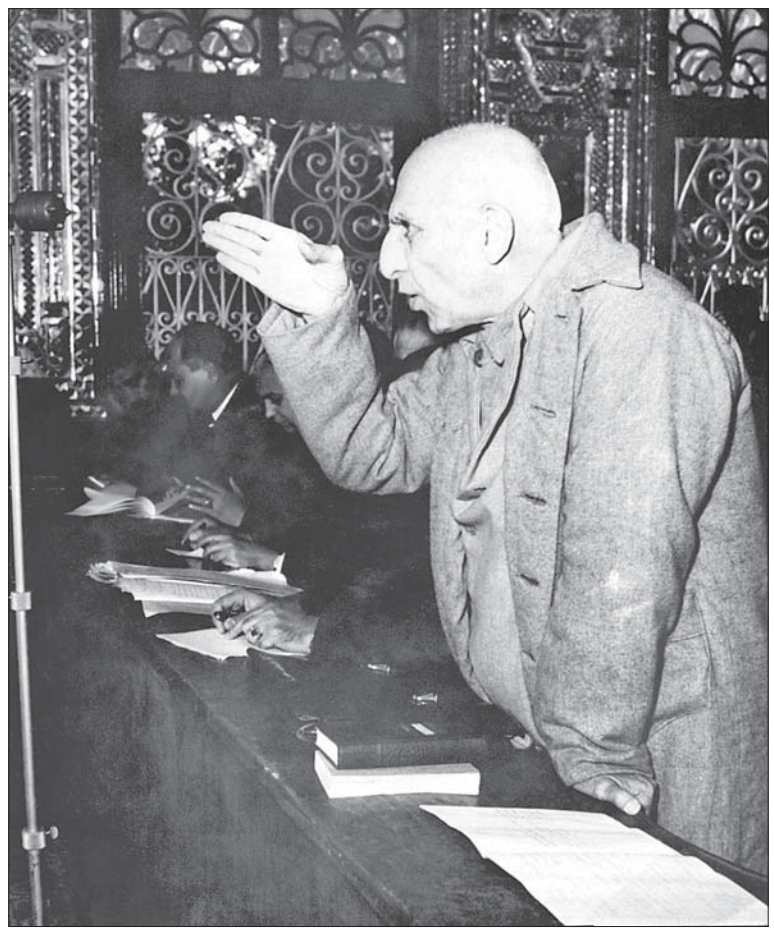

اسناد ۲۸ مرداد پس از ۶۰ سال منتشر شد

اعتراف رسمی «سیا» به‌رهبری کودتای سیاه

تا پایان سال ۱۹۵۳، دیگر روشن شده بود که دولت مصدق در ایران قادر به رسیدن به توافقی نفتی با کشورهای غربی نیست. شرایط باوجود فقدان منابع مالی به وضعیت خطرناک و بی‌نهایت غیرقانونی رسیده بود، آن‌هم بدون توجه به فرصت ادامه حکومت قانونی نخست‌وزیر محمد مصدق طبق قانون اساسی که انگیزه اصلی‌اش حکومت شخصی بود و تحت سیاست‌های غیرمسوولانه احساساتی قرار داشت؛ این حکومت موجبات تضعیف شاه و ارتش ایران را درسطح خطرناکی فراهم کرده بود. حکومت مصدق همکاری نزدیکی با حزب (کمونیست) توده ایران داشت. با توجه به این عوامل چنین برداشت می‌شد که ایران در حال سقوط به پشت پرده آهنین است و اگر این اتفاق می‌افتاد به معنای پیروزی شوروی‌ها در جنگ سرد و عقب‌نشینی برای غرب در خاورمیانه بود. هیچ اقدام جبرانی بیش از طرحی مخفیانه برای بهبود شرایط موجود وجود نداشت.

این هدف پروژه تی‌پی‌آژاکس و زمینه‌ساز سقوط دولت مصدق بود. برای استقرار مجدد شکوه و قدرت شاه، برای جایگزین کردن حکومت مصدق با حکومت دیگری که بتواند ایران را با توجه به سیاست‌های سازنده راهبری کند. به ویژه، هدف این پروژه روی کار آوردن دولتی بود که بتوان با آن به قرارداد نفتی منصفانه‌ای دست یافت و در عین حال ایران را به لحاظ اقتصادی و مالی باثبات سازد به گونه‌ای که با شدت بتواند حزب کمونیست قدرتمند و خطرناک توده را به پای محاکمه‌بکشاند.

به محض اینکه قطعی شد بر سر کار ماندن دولت مصدق مطابق با منافع آمریکا نیست و سی‌آی‌ای از طریق وزیر خارجه در مارس ۱۹۵۳ از این امر مطلع شده بود، سی‌آی‌ای شروع به تدوین طرحی کرد که اهداف گفته‌شده بالا را از طریق یک اقدام پنهانی محقق کند. در سند ارزیابی که عنوان «عوامل دخیل در سقوط مصدق» داشت و در ۱۶ آوریل ۱۹۵۳ تمام شد. در این سند مشخص شده بود که سقوط دولت مصدق از طریق عملیات پنهانی ممکن است. در آوریل مشخص شده بود که «سی‌آی‌ای» باید عملیات پیش‌بینی شده مشترک را با سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (اس‌ای‌اس) هدایت کند. تا پایان آوریل، تصمیم گرفته شده بود که «سی‌آی‌ای» و افسران «اس‌ای‌اس» باید طرحی را برای قبرس تدوین کنند، آن را به مقر فرماندهی‌های «سی‌آی‌ای» و «اس‌ای‌اس» و وزارت امور خارجه دو کشور برای تصویب نهایی تسلیم کنند. در سوم ژوئن ۱۹۵۳ سفیر آمریکا «لوی وسلی هندرسون» با انجام مشورت‌های کامل با در نظر داشتن اهداف و مقاصد ذکر شده بالا و انگیزه‌های «سی‌آی‌ای» برای طراحی ابزارهایی پنهانی برای دستیابی به این اهداف وارد آمریکا شد.

طرح تا دهم ژوئن ۱۹۵۳ یعنی زمان دیدار آقای کرومیت روزولت رییس بخش خاور نزدیک و آفریقای سی‌آی‌ای (که دیدگاه‌هایی را از وزارت خارجه، سی‌آی‌ای و سفیر هندرسون)، آقای روجر گویران، رییس ایستگاه ایران سی‌آی‌ای و دو افسر طراح «سی‌آی‌ای» در بیروت برای بررسی تکمیل شد. طرح با انجام تغییرات کوچکی برای انجام طرح عملیاتی به سرویس اطلاعات مخفی در لندن در چهاردهم ژوئن ۱۹۵۳ تسلیم شد.

در نوزدهم ژوئن ۱۹۵۳ طرح عملیاتی نهایی مورد موافقت روزولت برای سی‌آی‌ای از طریق سرویس اطلاعاتی بریتانیا در لندن به وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن، به آقای آلن دابیلو. دالس، رییس سی‌آی‌ای و سفیرهندرسون برای تصویب تقدیم شد. همزمان، این طرح از طریق سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا به وزارت خارجه این کشور ارایه شد. وزارت امور خارجه پیش از اعطای تصویب طرح، خواهان اطمینان یافتن از دو موضوع بود:

اول) اینکه ایالات متحده آمریکا توانایی تامین هزینه‌های کافی کمک به دولت جانشین در ایران را به گونه‌ای داشته باشد که این دولت بتواند تا زمان انعقاد یک قرارداد نفتی دوام بیاورد.

دوم) اینکه دولت بریتانیا در اعلام کتبی، رضایت وزارت امور خارجه و انگیزه‌اش را از دستیابی به توافقی نفتی با دولت جانشین در ایران با حسن نیت و بی‌غرضی اعلام کند. وزارت خارجه از هر دوی این دو مساله اطمینان کسب کرد.

در میانه جولای ۱۹۵۳ وزارت امور خارجه و اداره روابط خارجی بریتانیا اجازه اجرای پروژه تی پی آژاکس را صادر کرد و رییس سی‌آی‌ای موفق به کسب اجازه از رییس‌جمهوری آمریکا شد. سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا، با هماهنگی با رییس سی‌آی‌ای و سفیرهندرسون مطرح کرد که آقای کرومیت روزولت فرماندهی میدانی عملیات در تهران را در مراحل پایانی عملیات برعهده گرفته است. وزارت امور خارجه مشخص کرده بود که لغو سفر بازگشت سفیر آمریکا از واشنگتن به تهران تا زمانی که عملیات به نتیجه مطلوب برسد، معقول به نظر می‌رسد. تمام تدارکات به صورت مشترک با سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا صورت می‌گرفت جایی که ارتباط عملیاتی در قبرس هدایت شود محلی که یک افسر سی‌آی‌ای به صورت موقت مستقر شود و ارتباط حمایتی در واشنگتن برقرار شود. سه شیوه ارتباط‌گیری سریع از طریق امکانات میان سی‌آی‌ای، تهران، قبرس و واشنگتن تنظیم شد. زمان تعیین‌شده برای عملیات میانه آگوست بود.

در ایران توانایی‌های تبلیغاتی سی‌آی‌ای و سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا در راستای پیش‌بردن تلاش تبلیغاتی شدید از طریق مطبوعات، اعلامیه‌ها و در قالب کوششی طرح‌ریزی‌شده برای تضعیف دولت مصدق به هر شیوه ممکن تنظیم شده بود. در ایالات متحده آمریکا مقامات رده بالای آمریکایی مجبور به طرح اظهارات رسمی بودند که هرگونه امید طرح‌شده از سوی نخست‌وزیر مصدق درباره فراهم‌شدن کمک‌های اقتصادی آمریکا را از بین ببرد اسطوره مصدق نزد افکارعمومی را مخدوش کند.

ژنرال فضل‌الله زاهدی، عضو سابق کابینه به عنوان مناسب‌ترین گزینه جانشینی برای نخست‌وزیری در نظر گرفته شده بود. او آشکارا در تقابل با مصدق موضع گرفته بود و پیگیری قابل‌توجهی هم داشت سی‌آی‌ای به زاهدی نزدیک شد و عملیات و هدف جایگزین‌کردن او به عنوان نخست‌وزیر جدید با او در میان گذاشته شد. او به عنوان افسر نظامی مشخص شده بود که سی‌آی‌ای درنهایت بر سر اجرای جزییات طرح با او به توافق می‌رسید.

از ابتدا همکاری شاه به عنوان بخش ضروری طرح مورد توجه قرار داشت. همکاری او برای اطمینان‌بخشی از اقدام مورد نیاز پادگان‌های نظامی تهران و برای قانونی‌کردن جانشینی نخست‌وزیر جدید ضروری بود. از زمانی که شاه خودش را فردی فاقد تصمیم نشان داده بود، مشخص بود که فشارها بر او برای همکاری احتمالا اشکال ذیل را به‌خود خواهد گرفت:

اول) تلاش شاه و خواهر دوقلوی او شاهزاده اشرف پهلوی که از اروپا برمی‌گردد در راستای تشویق شاه به کنارگذاشتن مصدق خواهد بود. او به شاه خواهد گفت که تماس‌هایی با مقامات آمریکایی و بریتانیایی داشته است و آنها از او چنین خواسته‌اند.

دوم) تدارکات برای دیدار از ایران از سوی ژنرال «اچ‌نورمن شوارتسکف»، رییس پیشین ژاندارمری، او شخصی مورد علاقه و احترام شاه بود، شوارتسکف درصدد توضیح طرح پیشنهادی و گرفتن فرمان‌های (امرهمایونی) برکناری مصدق، انتصاب زاهدی و درخواست از ارتش برای وفادارماندن به سلطنت بود.

سوم) کارگزار محلی و اصلی بریتانیا که حسن نیت مجدد خود را نسبت به شاه ابراز کرده است، درصدد تقویت پیام شوارتسکف و اطمینان‌بخشیدن به شاه بوده است که این دیگر اقدام مشترک آمریکا - بریتانیا است.

چهارم) درصورت نتیجه‌نگرفتن از مراحل بالا آقای روزولت به عنوان رییس‌جمهوری آمریکا، از شاه خواهد خواست تا فرمان‌های فوق را امضا کند. به محض دریافت این فرمان‌ها، فرمان‌های دریافتی در روز مشخص‌شده در طرح توسط سی‌آی‌ای به زاهدی اعلام می‌شود. در روز عملیات (دی- دی) شاه باید جایی خارج از تهران باشد و بنابراین زاهدی که فرمان‌های شاه و حمایت نظامی را در اختیار دارد می‌تواند حکومت را بدون خطر سقوط شاه از موقعیتش و به خطرافتادن جان شاه به دست بگیرد.

اظهارات عمومی بعدی صورت گرفته در آمریکا تاثیر فوق‌العاده‌ای بر ایران و مصدق دارد و عمیقا به سقوط مصدق کمک خواهد کرد:

۱) انتشارنامه ۲۹ ژوئن ۱۹۵۳ رییس‌جمهوری آیزنهاور در ۹جولای به نخست‌وزیر ایران مصدق روشن کرد که کمکی به ایران صورت نخواهد گرفت.

۲) کنفرانس مطبوعاتی ۲۸ جولای ۱۹۵۳ وزارت امور خارجه می‌گوید: «... فعالیت‌های فزاینده حزب غیرقانونی کمونیست در ایران و مدارا با آنها از سوی دولت ایران دلیل اصلی دغدغه‌های دولت ماست و همه این تحولات ارسال کمک به ایران را دشوار کرده است.

۳) نطق سیاتل رییس‌جمهوری در مجمع فرمانداران، مبنی براین که «ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند بنشیند و ببیند که کشورهای آسیایی به پشت پرده آهنین سقوط می‌کنند»، تاثیرفوق‌العاده‌ای دارد.

۴) در همکاری با وزارت خارجه، سی‌آی‌ای مقالات مختلفی را درروزنامه‌ها و مجلات اصلی آمریکایی چاپ کرد و در ایران مجددا تجدید چاپ شد و این تاثیر روانشناسی مطلوبی در ایران داشت و به جنگ روانی علیه مصدق کمک می‌کرد.

بعد از اعمال فشار قابل توجه از سوی شاهزاده اشرف و ژنرال شوارتسکف و بعد ازملاقات‌های مختلف با آقای روزولت، شاه نهایتا فرمان درخواست شده را در ۱۵ آگوست امضا می‌کند. طرح برای روز ۱۶ در نظر گرفته شده بود. با این حال، با توجه به درز امنیتی در ارتش ایران، فرمانده ارتش شاهنشاهی برای دستگیری مصدق با کمک دو کامیون مملو از سربازان طرفدار شاه اقدام می‌کند و البته مغلوب نیروهای بالاتر همچنان وفادار به مصدق می‌شود. بنابراین توازن طرح نظامی برای فردای آن روز به‌هم می‌خورد. بنابر شنیده‌ها طرح خنثی می‌شود و شاه به بغداد می‌گریزد. این اقدام، اقدامی احتیاطی بود که حداقل در طرح اولیه پیش‌بینی شده بود. زاهدی در حفاظت «سی‌آی‌ای» باقی می‌ماند. با کمک افسران کلیدی‌اش، او موفق به کنارزدن نیروهای امنیتی مصدق می‌شود و همچنان به دنبال شناسایی عناصر اصلی مخالف است.

در صبحگاه ۱۷ آگوست ۱۹۵۳ سفیر آمریکا هندرسون به تهران باز می‌گردد. ژنرال زاهدی، از طریق یک کنفرانس مطبوعاتی مخفیانه که توسط سی‌آی‌ای طرح‌ریزی شده بود و توسط امکانات چاپ و تکثیر پنهانی سی‌آی‌ای به ایران اعلام کرد که او قانونا نخست‌وزیر ایران است و مصدق کودتای غیرقانونی علیه او به راه انداخته است.

کارگزار «سی‌آی‌ای» [درتهران] مقادیر معتنابهی ازعکس‌های فرمان‌های عزل مصدق و انتصاب زاهدی به نخست‌وزیری را پخش کرد. این اقدام تاثیر فوق‌العاده‌ای بر مردم تهران داشت، به ویژه آنهایی که از خبر ترک [ایران توسط] شاه در پی اقدامات مصدق خشمگین و در تعجب بودند. سفیر آمریکا «برتون. وای. بری» در بغداد با شاه تماس می‌گیرد و به او می‌گوید که او مطمئن است شاه سریع و با وجود شرایط آشکارا خصمانه، در همان تاریخ به ایران بازخواهد گشت. تماس با شاه در «رم» بعد از پرواز او از بغداد باز هم برقرار شد. آقای روزولت و فرماندهی دایما گزارش می‌دادند پیروزی ظاهری مصدق محکوم به شکست است و نشانه‌های قطعی وجود دارد که ارتش همچنان به شاه وفادار است و از این رو چرخش مطلوب در وضعیت ممکن خواهد بود. شرایط بعدی هم وزارت خارجه آمریکا و هم اداره روابط خارجی بریتانیا را بر آن داشت تا تلاش حداکثری را برای متقاعدکردن شاه به بیان سخنان عمومی برای تشویق ارتش و توده مردم به مخالفت با مصدق و پذیرش زاهدی به‌عنوان نخست‌وزیر انجام دهند.

در ۱۹ آگوست ۱۹۵۳ تظاهراتی به طرفداری شاه در اطراف محله بازار تهران شکل گرفت که ابعاد وسیعی پیدا کرد. به نظر می‌رسید تظاهرات تا حدودی، همزمان، بیانگر تلاشی برای ابقای پرستیژ بنیادین شاه و هشدار عمومی درمقابل حرکت جمهوریخواهانه بی‌نقابی بود که از سوی کمونیست‌ها و برخی چهره‌های جبهه ملی صورت می‌گرفت. تا ظهر روز بعد مشخص شد ارتش خیلی زود در تهران ـ همانند دیگر شهرهای اصلی ـ به حرکت طرفداران شاه پیوست. در چنین شرایطی بود که طراحی نظامی توانست به اجرا دربیاید. در ایستگاه پخش رادیویی، زاهدی با بیرون‌آمدن از مراقبت «سیا» دست به هدایت حرکت زد. او ابتدا با نطق در رادیو تهران اعلام کرد حکومت در اختیار اوست. رییس ستاد ارتش نیز دستگیر شد و منزل مصدق نیز مورد بازرسی قرار گرفت و سیاستمداران و افسران طرفدار او بازداشت شدند. تا پایان روز ۱۹ آگوست کشور در دست نخست‌وزیر جدید زاهدی افتاده بود و اعضای حکومت مصدق، مخفی یا محبوس شدند. بلافاصله شاه به ایران برگشت و مورد استقبال عمومی و پرشور قرار گرفت. شاه عمیقا از این واقعیت متحول شده بود که مردم و ارتش کشورش درمقابل خصومت یک مصدق کینه‌جو و حزب کمونیست ایستادگی می‌کند و علیه پیروزی موقت و طرح‌ریزی آشکار برای اعلام جمهوری در ایران می‌ایستند. شاه برای اولین‌بار احساس کرد حکمرانی ملتش را در دست دارد و با قاطعیت برای به دست‌گرفتن کنترل ارتش به ایران بازگشته‌است.

برای اعطا نیازهای فوری مورد نیاز به زاهدی، پرداخت‌ها می‌بایست تا پایان ماه به‌گونه‌ای صورت می‌گرفت و پیش از آنکه آمریکا بتواند مقادیر معتنابهی از کمک‌ها را فراهم کند، سیا به طور پنهانی در حدود پنج‌میلیون‌دلار، در طی دو روز از به قدرت رسیدن زاهدی فراهم کرد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● مگر تحریم داروهای خارجی برداشته نشده؟ چرا قیمت آنها کاهش نمی‌یابد؟ مادرم دیابت و فشارخون دارد و هفته‌ای دو عدد انسولین استفاده می‌کند. دیگر نمی‌توانیم از پس هزینه‌های بالای آن بربیاییم. لطفا مسوولان چاره‌ای بیندیشند.

● اکنون که به خواست خداوندمتعال و همت مردم عزیزمان دولت جدید و مردمی کشورمان بر سر کار آمده است، جا دارد توجه ویژه و مخصوصی هم به قشر محروم و زحمتکش مطبوعات و رسانه‌های گروهی، از جمله خبرنگاران پرتلاش و گزارشگران رادیو در صداوسیمای مراکز استان‌ها و شهرستان‌هایی مانند اصفهان که به‌صورت کارمزدی و حق‌الزحمه‌ای یا برنامه‌ای کار می‌کنند و متاسفانه دستمزدهای بسیار کم و ناچیزی هم می‌گیرند، مبذول دارند.

● ساکن شهر اراک هستم. بعضی مواقع که روزنامه شما را می‌خرم، می‌بینم صفحاتی از آن نیست. پنجشنبه هم ویژه‌نامه نبود. تمام روزنامه‌های دکه را هم چک کردم. لطفا پیگیری کنید.

● صادقانه یک گزارش از کم‌وکیف طرح جامع ایثارگران تهیه کنید.

● نمی‌دانم دفاع از آقای روحانی بر عهده چه کسی است. چند بار از سوی کارشناسانی که در تلویزیون صحبت می‌کنند یا مطالبی که در برخی مطبوعات به چاپ می‌رسد، دیده‌ام که می‌نویسند یا می‌گویند رای آقای روحانی شکننده بود. کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند دارای محاسن و ظاهری متدین هستند اگر در مقابل آقای روحانی کسی ۱۷ یا ۱۸میلیون رای می‌داشت این تعبیر صحیح بود که ما بگوییم رای آقای روحانی شکننده است اما وقتی رقبای وی پراکنده و هرکدام سه، چهارمیلیون رای دارند آیا ۱۸میلیون‌و۲۵۰هزار رای باز هم شکننده است؟ انصاف هم چیز خوبی است.

یک روحانی از قم

● روزنامه شما در صفحه چهار از قول وزیر نیرو نوشته بود قیمت برق زیاد می‌شود، برای گرانی دلیل هم آورده که فکر نکنیم این کارها بی‌حکمت است. گفته شما افزایش قیمت برق را تحمل کنید تا اقتصاد برق کلا از بودجه منفک شود. چشم آقای وزیر، تحمل می‌کنیم. دست‌تان هم درد نکند. ما خودمان باید عاقل باشیم و بفهیم که وقتی می‌گویند تصمیم دولت برای ارزانی، یعنی چه؟ من ناراحتی‌ام از روزنامه مثلا مستقل «شرق» است که چرا یک کلمه نمی‌گوید کجای دنیا، دولت برای برقراری ارزانی، اول از همه برقش را گران می‌کند و به بقیه کاسب‌ها خط می‌دهد که شما هم گران کنید.

کارمندکمرشکسته